

## رابطه بین توانایی مدیران و حق الزحمه حسابرسان

مهتاب ابراهیم خانی<sup>۱\*</sup>، مهدی بشکوه<sup>۲</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران (عهده‌دار مکاتبات)

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، ایران

تاریخ دریافت: شهریور ماه ۱۳۹۸، اصلاحیه: دی ماه ۱۳۹۸، پذیرش: اسفند ماه ۱۳۹۸

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین توانایی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، یکی از موضوع‌های موردعلاقه بسیاری از محققان بوده و تاکنون مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است که اکثر آن‌ها یک هدف عمده را دنبال می‌کنند و آن تشخیص عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی است. از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی، مفهوم توانایی مدیریت است. در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌هاست که به‌عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. توانایی مدیریت را به‌عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توانایی مدیریت، عاملی تأثیرگذار بر تصمیمات حسابرسان است. نمونه آماری مشتمل بر ۸۱ شرکت می‌باشد که با روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است که در مجموع ۶۴۸ شرکت بودند و دوره مطالعه، سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ را در برمی‌گیرد. این تحقیق کاربردی بوده و برای آزمون فرضیه بکار برده شده است. با بررسی فرضیه پژوهش مشاهده شد که بین توانایی مدیران و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی معنادار برقرار است. این نتیجه نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که از مدیران توانمندتری برخوردارند، نسبت به سایر شرکت‌ها حق الزحمه حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند.

**واژه‌های اصلی:** توانایی مدیران، حق الزحمه حسابرسی، تداوم فعالیت، دوره تصدی حسابرسی، بحران مالی.

### ۱- مقدمه

بزرگ شدن شرکت‌ها، عمومی شدن مالکیت بنگاه‌های اقتصادی و تأمین مالی از طریق مشارکت عمومی، امکان اداره شرکت توسط مالکان وجود نداشت، به همین دلیل شرکت‌ها به‌وسیله افرادی به نام مدیران اداره می‌شوند و جدایی مدیریت از مالکان به وجود آمد. طبق نظریه نمایندگی واحدهای مختلفی برای نظارت عملکرد مدیران وجود دارد که بهترین راه از طریق صورت‌های مالی است. مشکل نمایندگی میان سهام‌داران و مدیران شرکت انتخاب حسابرسان مستقلی که به سرمایه‌گذاران اطمینان دهند که صورت‌های مالی شرکت منطبق با اصول پذیرفته‌شده حسابداری است. [۱۸].

دانش‌افزایی مقاله حاضر مربوط است به اینکه با توجه به بررسی‌هایی که در خصوص سوابق پژوهش در دانشگاه‌ها و همچنین سایت‌های علمی به عمل آمد، دریافتیم که هرچند پژوهش‌های بسیار گسترده‌ای در داخل و خارج از کشور در خصوص تک‌تک متغیرهای مورد آزمون در این پژوهش به‌عمل آمده است، ولی هیچ پژوهش یا مقاله‌ای که به‌طور مستقیم در خصوص ارتباط بین این دو موضوع، انجام گردیده باشد، یافت نشده است و از این جهت موضوعی جدید و بدیع می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد که بررسی ارتباط بین این دو مؤلفه گامی مفید در جهت تکمیل

ادبیات مربوط به این موضوع در محیط اقتصادی مربوط به بازار سرمایه ایران باشد و با توجه به اینکه نتایج آن برای سهام‌داران، سرمایه‌گذاران، مؤسسات اعتباری و شرکت‌ها می‌تواند مفید باشد؛ لذا جنبه نوآوری بودن آن به‌روشنی قابل‌درک می‌باشد و می‌تواند راه گشای برای پژوهش‌های آتی باشد همچنین انجام این پژوهش باعث توسعه ادبیات و مبانی نظری پژوهش در این زمینه باشد.

منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه‌ای تأمین می‌شود که از انعقاد قرارداد با صاحب‌کاران عاید می‌شود. [۳]. طبق برآورد ما توانایی مدیران می‌تواند به کاهش حق الزحمه غیرعادی حسابرسی مؤثر باشد؛ زیرا هرچه مدیر کارایی بیشتری داشته باشد برای جلوگیری از ابطال این کارایی و افزایش مزایای خود نیز سعی در کاهش تناقض‌ها با حسابرس شده و بیشتر مایل است حق الزحمه غیرعادی حسابرسی را کاهش دهد از سوی دیگر حق الزحمه حسابرسی با کیفیت حسابرسی دارای رابطه می‌باشد محققین بسیاری این ارتباط را اثبات کردند. [۵].

برآورد حق الزحمه حسابرسی تحت تأثیر مدت‌زمان لازم و ترکیب نیروی انسانی موردنیاز برای انجام حسابرسی خواهد بود. مدت‌زمان لازم برای انجام عملیات حسابرسی تحت تأثیر عوامل متعددی است. برای تعیین حق الزحمه حسابرسی ابتدا باید عوامل آن شناسایی شود و میزان تأثیر

\*mahtab.ebrahimkhani3@gmail.com

آن‌ها به گستردگی و پیچیدگی فرآیند عملیات حسابرسی سنجیده شود. [۱۰].

قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، یکی از موضوع‌های موردعلاقه بسیاری از محققان حسابرسی بوده و تاکنون مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است. هدف عمده این مطالعات تشخیص عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی است. آگاهی از این عوامل هم برای صاحب‌کار و هم برای حسابرس مفید است. با شناخت عوامل مؤثر بر میزان حق الزحمه حسابرس، صاحب‌کار با مذاکره و چانه‌زنی بر سر آن‌ها و هم با کنترل این عوامل در داخل سازمان، می‌تواند چنین هزینه‌ای را کاهش دهد و حسابرسان با شناخت این عوامل می‌توانند خدمات خود را به شکل مناسبی قیمت‌گذاری کنند. [۱۸].

عوامل توصیفی مدنظر در اغلب مطالعه‌ها شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بوده است. [۳].

یکی از عوامل مهم تعیین ریسک حسابرسی، ساختار حاکمیت شرکتی می‌باشد. در حاکمیت شرکتی، هدف، برخورداری از یک هیئت‌مدیره مؤثر و کارا است و دستیابی به این هدف، مستلزم ارزیابی خصوصیات هیئت‌مدیره است. [۸].

نظام حاکمیت شرکتی به‌عنوان یک نظام مرتبط‌کننده چند شاخه علمی از قبیل حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد و حقوق و با حفظ تعادل بین اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی، موجب تشویق و تقویت استفاده کارآمد و بهینه از منابع و الزام پاسخگویی شرکت‌ها در مقابل سایر اشخاص ذینفع در شرکت می‌گردد. از سوی دیگر اجرای نظام حاکمیت شرکتی می‌تواند موجب تخصیص بهینه منابع و بهبود شفافیت اطلاعات مالی منتشرشده در بازار و درنهایت رشد توسعه اقتصادی شود. [۷].

اواخر دهه نود و اوایل هزاره جدید، جهان شاهد بحران‌ها و رسوایی دو کمپانی غول‌آسای انرون و وردکام و دیگر شرکت‌های کوچک‌تر بود. وقوع این رسوایی‌های مالی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به‌سوی حسابداری، گزارشگری مالی و حسابرسان این شرکت‌ها شد. پیامد این نگرانی‌ها به شکل تغییرات بنیادین و گسترده در حوزه نظارت به شرکت‌ها و بازار سرمایه نمود یافت که از آن جمله می‌توان به تفکر تقویت نظام راهبر شرکت‌ها و قوانین و مقررات اشاره کرد. [۱۱].

حاکمیت شرکتی ضعیف احتمال وقوع ورشکستگی شرکت را افزایش می‌دهد حتی اگر شرکت دارای عملکرد مالی خوب و مناسبی باشد. [۷]. رضایی و محمدزاده همچنین بیان داشتند امکان دارد مدیران شرکت‌ها از منابع شرکت در جهت افزایش ثروت سهامداران استفاده نکنند. صاحب‌نظران امروزه بهترین راه‌حل این مشکل را در بهبود حاکمیت شرکت‌ها می‌دانند.

ازجمله عوامل بسیار مهمی که می‌تواند هر فردی را به موفقیت برساند، توانایی و قابلیت‌های فردی است. در حقیقت مرز تمایز انسان‌های توانمند و ناتوان از زمانی شکل می‌گیرد که برای کسب مهارت‌ها و توانایی‌های موردنیاز خود اقدام می‌کنند و درصدد توسعه و تعالی آن‌ها برمی‌آیند. این تکاپوی انسانی در نهایت موجب می‌شود تا فرد در طول زندگی کاری

موفق باشد. اما نکته حائز اهمیت است که در باور نمودن پتانسیل‌های درونی باید به آن توجه کرد حرکت در مسیر شکوفایی استعدادهاست که بایستی بخردانه و همراه با درایت کافی باشد، به این معنا که توسعه توانایی‌ها می‌بایست براساس معیارهای گوناگونی برحسب ابعاد وجودی انسان (روحي - روانی، جسمی - فیزیکی، عاطفی - احساسی و فیزیکی - ذهنی) صورت پذیرد. مدیران کارآتر و دارای توانایی‌های ذاتی بالاتر می‌توانند به‌سرعت از شرایط واحد اقتصادی تحت تصدی و صنعت مورد فعالیت خود، شناخت کافی به دست آورده و نسبت به انتخاب پروژه‌های با کیفیت‌تر و دارای ریسک پایین‌تر اقدام کنند. بنابراین توانایی مدیران می‌تواند به‌صورت مستقیم به پایداری فعالیت شرکت (از طریق پایداری سود و...) اثر گذاشته و به‌تبع آن تصمیمات استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهد. زیرا هر چه شرکت از پایداری بیشتری برخوردار باشد، برای آن شرکت دور نمای بهتری ترسیم‌شده و برای سرمایه‌گذاران از جذابیت بالاتری برخوردار خواهد بود برای بسیاری از مدیران، هزینه حسابرسی رقمی درخور توجه است. اگرچه ممکن است در شرکت‌های بزرگ با حجم فروش و نقدینگی بالا یا برخی شرکت‌های دولتی، توانایی پرداخت این هزینه به راحت میسر باشد، ولی اکثر شرکت‌های تجاری کوچک یا آن‌هایی که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند، رقم هزینه می‌تواند بسیار با اهمیت و سنگین باشد. هزینه‌ای که ناگزیر آن را پرداخت کنند. در نتیجه از منظور صاحب‌کار، با شناخت عوامل مؤثر بر میزان حق الزحمه حسابرسی، هم با مذاکره و چانه‌زنی بر سر آن‌ها و هم با کنترل این عوامل در داخل سازمان، می‌تواند موجبات کاهش چنین هزینه‌ای را فراهم آورد و تحمل آن را آسان‌تر نمود [۶].

معمولاً حسابرسان به‌منظور کاهش ریسک عدم کشف تحریف بااهمیت، شواهد بیشتری جمع‌آوری می‌کنند که این موضوع سبب افزایش هزینه حسابرسی می‌شود. این هزینه افزایش‌یافته را می‌توان به صاحب‌کاران تحمیل کرد که البته این موضوع نیز از محدودیت‌های رقابت در بازار حسابرسی و قدرت چانه‌زنی بین حسابرس و صاحب‌کار تأثیر می‌پذیرد. با افزایش ریسک حسابرسی، حسابرسان حق الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند. [۴].

با توجه به توضیحات فوق، مسئله اساسی در این تحقیق، بررسی رابطه بین توانایی مدیران و حق الزحمه حسابرسی است تا بتوان کمک نتایج آن، مدیران و سرمایه‌گذاران را در ارزیابی حق الزحمه حسابرسی یاری کند.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱- حسابرسی

حسابرسی در معنای اعم کلمه دارای سابقه‌های طولانی است. حسابرسی از زمانی متولد گشت که نیاز به کنترل نسبت به عملیات مختلف مالی به‌خصوص وجوه دولتی احساس شد. پس از دوره رنسانس و توسعه تجارت جهانی نیاز به داشتن حساب‌وکتاب بیشتر شد پس اصول دفترداری دوطرفه در قرن ۱۵ میلادی در ایتالیا متولد شد. انقلاب

بدین صورت است که مؤسسات حسابرسی بزرگ و معتبر از صاحب کاران خود حق الزحمه بالاتری را طلب می کنند زیرا چنین مؤسساتی از کیفیت و اعتبار بالایی نزد سرمایه گذاران و جامعه برخوردارند و در نتیجه شفافیت و عملکرد مناسب تری را برای شرکت به ارمغان می آورند [۱۷].<sup>۵</sup>

#### ۲-۲-۳- فرضیه اعتباربخشی<sup>۶</sup>

بر اساس این فرضیه که نسبت به دو فرضیه قبلی، کمتر مورد توجه محققان و نظریه پردازان قرار گرفته است، ممکن است حرفه حسابرسی مدعی باشد در اعتباربخشی به نتایج و صورت های مالی هیچ مسئولیتی ندارد ولی در طرف دیگر، سرمایه گذاران معتقدند در صورتی که در نتیجه استفاده از صورت های مالی همراه کننده به آن ها زیان وارد شود، حسابرسان باید تاوان آن را بپردازند و زیان آن ها را جبران کنند. بنابراین ممکن است در مواردی که به سرمایه گذاران زیان وارد می شود، حسابرسان مورد بازخواست قرار گیرند. در نتیجه، حسابرسان باید در قیمت گذاری خدمات خود این ریسک را لحاظ کنند و هرچه نتایج عملیات شرکتی ضعیف تر باشد سوددهی پایین یا زیان ده بودن این ریسک افزایش یافته و حق الزحمه حسابرسی نیز به تبع آن افزایش می یابد. [۲۳].<sup>۷</sup>

#### ۲-۲-۳- حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه حسابرسی، بر اساس ریسک برآوردی حسابرسان از صاحب کار، رقابت در بازار حسابرسی و مذاکره بین حسابرسان و صاحب کار تعیین می شود. حسابرسان هنگام برنامه ریزی حسابرسی باید خطر تحریف با اهمیت (شامل ارزیابی صلاحیت و شایستگی مدیریت، جو اخلاقی سازمان، قابلیت های حساب ها و افشای تحریف با اهمیت) را شناسایی و برآورد کند. این عوامل بر توانایی حسابرسی در کشف تحریف با اهمیت در صورت های مالی که برای مؤسسه حسابرسی ریسک عمده و شایان توجه محسوب می شود، تأثیر می گذارد.

واعظ و همکاران با بررسی داده های حسابرسی چندین شرکت بزرگ به این نتیجه رسیدند که افزایش در حق الزحمه های حسابرسی متناسب با افزایش در تلاش و کیفیت کار حسابرسی بوده است.

حق الزحمه پیشنهادی حسابرسان، به صاحب کار کیفیت حسابرسی را می تواند به دو صورت تحت تأثیر قرار دهد. نخست، اگر حسابرسان حداقل حق الزحمه را به صاحب کار پیشنهاد کند، به امید اینکه هزینه های انجام شده اضافی برای شناخت ساختار کنترل داخلی و عملیات صاحب کار را در قراردادهای آینده حسابرسی از طریق افزایش حق الزحمه جبران نماید؛ این موضوع ممکن است حسابرسان را به دست پذیرش خواسته های صاحب کار و در جهت حفظ رابطه با آن سوق دهد. این موضوع می تواند باعث ایجاد خدشه در استقلال حسابرسان و در نهایت، کیفیت حسابرسی گردد. [۹].

صنعتی کارخانه های بزرگ را به وجود آورد و از تشکل سرمایه های کوچک و اشتراک آن ها، سرمایه های بزرگ ایجاد گردیده و نهایتاً منجر به ایجاد بورس و بازار اوراق بهادار شد. [۳].

#### ۲-۲-۲- ضرورت استفاده از خدمات حسابرسی

به طور کلی، سه فرضیه عمده برای نیاز به حسابرسی مطرح است این فرضیات عبارتند از:

#### ۲-۲-۱- فرضیه نمایندگی<sup>۱</sup>

این فرضیه، به نقشی اشاره دارد که حسابرسی در کاهش مسائل و خطرات نادیده گرفتن اصول اخلاقی ایفا می کند. طبق فرضیه نمایندگی، حسابرسان در چارچوب روابط بین نماینده - مالک بخش لاینفک سازوکاری قراردادی است که برای کنترل و نظارت بر هزینه های نمایندگی مدیر ایجاد می شود. به گفته جنسن و مک لینگ<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) هنگامی که نماینده (مدیر) نسبت به مالک از اطلاعات بیشتری راجع به عملیات داخلی شرکت برخوردار است، با فرض اینکه مدیر به دنبال منافع شخصی خود است، بیشتر از حد مطلوب از منابع شرکت استفاده کرده و برای انتقال ثروت از مالکان به نفع خود تلاش می کند. بنابراین سرمایه گذاران دارای رفتار عقلایی، چنین رفتارهایی را در قیمت گذاری اوراق بهادار شرکت لحاظ خواهند کرد و مبلغ کمتری را برای آن اوراق بهادار می پردازند. [۲۱].<sup>۳</sup> حتی به عنوان آخرین گزینه ممکن است سرمایه خود را از شرکت خارج نمایند. در نتیجه سرمایه گذاران برای اجتناب از چنین پیشامدهایی سعی می کنند سازوکارهایی را برقرار سازند که بر رفتارها و انگیزه های فرصت طلبانه نظارت و کنترل داشته باشد. وجود حسابرسان مستقل، از این سازوکارهاست. بدین ترتیب، در فرضیه نمایندگی، نقش حسابرسان کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و خطرات زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی است. بدون وجود حسابرسان ممکن است صورت های مالی جانب دارانه و نادرست ارائه شوند. [۲۱].

تئوری نمایندگی که مبتنی بر تعارض سهام داران و مدیران شرکت است، بر تصمیم گیری در خصوص تأمین مالی مؤثر است. از طرفی حاکمیت شرکتی یکی از سازوکارهای اصلی در کاهش هزینه های نمایندگی است و مکانیزم های حاکمیت شرکتی خوب بر بهتر شدن عملکرد و افزایش ارزش شرکتها تأثیرگذار می باشد. [۱].

#### ۲-۲-۲- فرضیه اعتمادسازی<sup>۴</sup>

بر اساس این فرضیه، حسابرسان به کاهش تصمیمات نادرست در بازار سرمایه کمک می کند و سرمایه گذار سعی می کند حسابرسان معتبری را برگزیند تا به بازار سرمایه نشان دهد عملیات شرکت شفاف و مناسب می باشد. سرمایه گذاران بالقوه نیز برای تصمیمات سرمایه گذاری خود از این علائم استفاده می کنند. [۲۱].

توجیه این فرضیه در مورد نحوه قیمت گذاری خدمات حسابرسی

<sup>1</sup> Agency hypothesis

<sup>2</sup> Jensen & Meckling

<sup>3</sup> Lam

<sup>4</sup> Signaling hypothesis

<sup>5</sup> Francis

<sup>6</sup> Insurance hypothesis

<sup>7</sup> Simunic

آن‌ها بیان می‌کنند که حق الزحمه‌های پرداخت شده به حسابرسان می‌تواند کیفیت حسابرسی را به دو صورت تحت تأثیر قرار دهد. نخست، حق الزحمه‌ها بیشتر پرداخت شده به حسابرسان ممکن است تلاش‌های صورت گرفته توسط حسابرسان را افزایش دهد در نتیجه، کیفیت حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. در روش دیگر، حق الزحمه‌های پرداخت شده به حسابرسان، از لحاظ اقتصادی آن‌ها را به مشتریان خود وابسته می‌سازد و چون نمی‌خواهند منافع خود را در شرکت‌های مورد حسابرسی از دست بدهند فعالیت خود را با کیفیت بیشتری انجام می‌دهند.

بحران مالی سال ۲۰۰۸ محیط کسب و کار را تغییر داده است. تعدادی از شرکت‌های ممیزی شده از زمان بحران به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و منجر به کاهش هزینه خدمات حسابرسی شده در نتیجه رقابت شدید بین حسابرسان شده است. این کاهش هزینه‌های حسابرسی نگرانی بزرگی برای شرکت‌های حسابرسی است زیرا ممکن است با افت کیفیت خدمات حسابرسی رابطه داشته باشد. چنین افتی در کیفیت در نهایت سبب بروز کاهش اعتبار شرکت‌های ممیزی شده می‌شود و بنابراین منافع آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۲۲].<sup>۸</sup>

با رشد رقابت در حرفه، مؤسسات حسابرسی ضرورت ارائه خدمات با کیفیت هر چه بهتر و بهای کمتر به بازار را بیشتر دریافته‌اند. برای رقابت بر پایه‌ای به‌علاوه کیفیت و متفاوت کردن خدمات، مؤسسات حسابرسی به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهادها برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند. به همین منظور، آگاهی از عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی می‌تواند بسیار مفید باشد. [۱۴].<sup>۹</sup>

(کلایمنت سرانو و همکاران، ۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای نشان داد که حسابرسان بزرگ نسبت به همکاران کوچک ترشان حق الزحمه بیشتری را دریافت می‌کنند زیرا مشتریان این شرکت‌های بزرگ سطح بالایی از کیفیت را درک می‌کنند.

در مقابل در مطالعه دیگری که توسط (کلایمنت سرانو و همکاران، ۲۰۱۷) صورت گرفت دریافتند که در محیط رقابتی هنگام انتخاب یک حسابرس رضایت مشتری مهم‌تر از کیفیت خدمات می‌باشد. در پژوهش که توسط (جونزالز دیاز و همکاران، ۲۰۱۵) صورت گرفت پیشنهاد می‌شود که اثرات مثبت یا منفی معاشرت بین مشتری و حسابرس بستگی به نوع روش تحقیق و همچنین پروکسی انتخاب شده برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی دارد. آن‌ها همچنین با تحلیل سهام‌داران توضیح دادند تنظیم‌کننده‌ها به‌طور صریح از چرخش استفاده می‌کنند و استدلال می‌کنند که چرخش فرصتی است برای حل مشکلات ناشی از مالکیت بیش‌ازحد. در افراطی دیگر، شرکت‌های حسابرسی بحرانی هستند و به فقدان دانش و تخصص بالقوه ناشی می‌شوند. به‌طور کلی دیدگاه مشتریان و سهام‌داران حسابرسی نسبتاً

مخلوط است.

(جونزالز دیاز و همکاران، ۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای بیان کردند که سرپرستی کوتاه‌مدت حسابرسان می‌تواند به صلاحیت منفی تأثیرگذار باشد، چراکه دانش حسابرسان در چند سال اول کمتر است و آن‌ها نیاز به زمان برای استفاده از فعالیت و حسابداری مشتریان خود دارند.

در مطالعه دیگری توسط (جونزالز دیاز و همکاران، ۲۰۱۵) نشان می‌دهد هنگامی که ارتباط بین حسابرس و مشتری بیش از ۵ سال طول بکشد، مزایای چنین آشنایی آشکار می‌شود؛ زیرا حسابرس باید از مشتری خوب بداند. این مطالعه نشان می‌دهد که مقررات چرخش طولانی‌مدت باید باهدف حصول اطمینان باشد، به‌گونه‌ای که تغییرات مداوم کیفیت حسابرسی بیشتر را به ارمغان بیاورد.

طبق پژوهشی که توسط (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳) صورت گرفت در مورد رابطه تداوم انتخاب حسابرس و کیفیت حسابرسی دو دیدگاه وجود دارد: در یک دیدگاه اعتقاد بر این است که رابطه‌ای بلندمدت میان صاحب‌کار و حسابرس باعث نزدیکی بیش‌ازحد آنان شده است و این نزدیکی موجب آسیب دیدن استقلال حسابرس و کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

در مقابل طبق مطالعه (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳) اعتقاد دارند که حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت‌های صاحب‌کار به دست آورد و تجربه بیشتری کسب می‌کنند و این ترتیب توانایی‌شان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه‌های حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد بنابراین، رابطه‌ی طولانی‌مدت حسابرسی و صاحب‌کار می‌تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد. به اعتقاد آنان تغییر حسابرس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه‌گذاران به اتکاپذیری صورت‌های مالی کاهش یافته و اعتبار حسابداری کاهش یابد. از سوی دیگر هزینه‌های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحب‌کار، افزایش خواهد یافت. به‌بیان دیگر، با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، این هزینه‌ها حذف می‌شود و در نتیجه حق الزحمه‌ی حسابرسی کاهش پیدا می‌کند.

(علوی و همکاران، ۱۳۹۰) در بخشی از پژوهش‌های خود در مورد رابطه بین ریسک نظام راهبری، با برنامه‌ریزی قیمت‌گذاری حسابرسان مستقل، مشاهده کردند که با وجود رفتارهای نامناسب مدیریت در گزارشگری مالی که به‌صورت ریسک راهبری شرکتی در نظر گرفته شده بود، ساعت کار حسابرسی و نرخ حق الزحمه آن افزایش یافت؛ به‌عبارت دیگر با افزایش ریسک راهبری (وجود سازوکارهای نامناسب) حق الزحمه حسابرسی افزایش یافت.

در مطالعه‌ی دیگر (علوی و همکاران، ۱۳۹۰) به بررسی و آزمون چارچوب اقتصادی تبیین‌کننده رابطه بین نظام راهبری شرکت‌ها و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های آمریکایی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد راهبری بهتر، هزینه حسابرس را کاهش می‌دهد. آنان اعتماد دارند که این رابطه از این جهت روی می‌دهد که ایجاد نظام راهبری بهتر به کیفیت بهتر صورت‌های مالی و کنترل‌های داخلی قوی‌تر می‌انجامد و این موضوع حسابرسان را قادر می‌سازد قیمت ریسک حسابرسی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی را کاهش دهند.

<sup>8</sup> Climent-Serrano & Bustos-Contell & Labatut-Server & Rey-Marti

<sup>9</sup> Choi & Kim & Liu & Simunic

<sup>10</sup> Gonzalez-Diaz & Garcia-Fernandez & Lopez-Diaz

مدیری کارآمد، تأثیرگذاری بر بهبود کیفیت حسابرسی، به طور خودکار حق الزحمه غیرعادی حسابرسی نیز کاهش پیدا کرده و موجب بهبود وضعیت شرکت می‌شود.

در پژوهش دیگری که توسط (پوران و آرامی، ۱۳۹۵) صورت گرفت توانایی مدیران می‌تواند به کاهش حق الزحمه غیرعادی حسابرسی مؤثر باشد زیرا هرچه مدیر کارایی و افزایش مزایای خود نیز سعی در کاهش تناقضات با حسابرس شده و بیشتر مایل است حق الزحمه غیرعادی حسابرسی را کاهش دهد. از سوی دیگر حق الزحمه حسابرسی با کیفیت حسابرسی نیز دارای رابطه می‌باشد. محققین بسیاری این ارتباط را اثبات کرده‌اند.

دمرجیان و همکاران<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۳) در تحقیقی تأثیر توانایی مدیریت بر چهار ویژگی سود شامل تعداد ارائه مجدد صورتهای مالی، پایداری سود، کیفیت اقلام تعهدی و میزان خطای برآورد در مطالبات مشکوک الوصول را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان توانایی مدیریت با هرکدام از چهار ویژگی ذکر شده رابطه مثبت دارد. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که توانایی مدیریت بر پایداری بخش تعهدی سود به صورت مستقیم تأثیرگذار است. آنان در تحقیق خود، به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده کرده‌اند، رابطه توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ را مورد بررسی قرار دادند. آنان با بررسی داده‌های مربوط به ۲۳۴۴ شرکت بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مستقیم دارد و در طول بحران ۲۰۰۸ مدیران تواناتر منابع شرکت، بدهی‌ها و مخارج سرمایه‌ای را نسبت به مدیران دارای توانایی پایین‌تر، به صورت کارآتری مدیریت کرده‌اند. [۶]. ناتوانی مدیریت شرکت‌های دارای بحران مالی و عملکرد ضعیف آن‌ها باعث کاهش اعتماد حسابرس می‌شود؛ بنابراین در این شرکت‌ها احتمال انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت در مقایسه با شرکت‌های با مدیران توانمندتر، بیشتر است. مدیریت با تأثیرگذاری مستقیم بر عملکرد شرکت، موجب تغییر ریسک عملیاتی شرکت شده و از این طریق بر ریسک حسابرسی تأثیرگذار است؛ به عبارت دیگر، انتظار می‌رود که به دلیل ارتباط بین توانایی مدیریت و عملکرد جاری و آتی شرکت، توانمند بودن مدیران موجب کاهش ریسک تداوم فعالیت گردد. به علاوه، توانمندی مدیران با تأثیرگذاری بر کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی، می‌تواند ریسک عملیات حسابرسی را کاهش دهد. [۱۲].

### ۳- روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر طبقه‌بندی بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. این تحقیق از نظر روش و ماهیت از نوع پژوهش همبستگی است. روش پژوهش به صورت استقرایی است که در آن جمع‌آوری داده‌ها از راه کتابخانه، مقاله و اینترنت جمع‌آوری شده و در رد یا عدم رد فرضیه‌های پژوهش با به‌کارگیری روش‌های آماری مناسب، از

در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون باهدف تبیین عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت گرفته، تأکید بر ویژگی‌های خاص شرکت صاحب‌کار و مؤسسه حسابرسی بوده است؛ در حالی است که پژوهش‌های اخیر ویژگی‌های شخصیتی مدیران را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده حق الزحمه حسابرسی بررسی می‌کند. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند یکی از عوامل تأثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی، مفهوم توانایی مدیریت است.

نتایج تجربی نشان می‌دهد که توانایی مدیریتی می‌تواند به طور قابل توجهی بر نتیجه یک کسب‌وکار تأثیر بگذارد [۲۴].<sup>۱۱</sup>

مدیران کارآتر و دارای توانایی‌های ذاتی بالاتر می‌توانند به سرعت از شرایط واحد اقتصادی تحت تصدی و صنعت مورد فعالیت خود، شناخت کافی به دست آورده و نسبت به انتخاب پروژه‌های باکیفیت‌تر و دارای ریسک پایین‌تر اقدام کنند؛ بنابراین توانایی مدیران می‌تواند به صورت مستقیم به پایداری فعالیت شرکت (از طریق پایداری سود و...) اثر گذاشته و به تبع آن تصمیمات استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا هر چه شرکت از پایداری بیشتری برخوردار باشد، برای آن شرکت دور نمای بهتری ترسیم شده و برای سرمایه‌گذاران از جذابیت بالاتری برخوردار خواهد بود... [۶].

در پژوهشی که توسط (دوالمن و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۵) صورت گرفت نشان می‌دهد که هزینه‌های حسابرسی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در انتخاب حسابرس است و حسابرسان متخصص هزینه‌های حسابرسی را به طور قابل توجهی بیشتر نسبت به حسابرسان غیرمتخصص افزایش می‌دهد؛ بنابراین مدیران بیش‌از حد مصمم می‌توانند از حسابرسان متخصص جهت کاهش هزینه‌های حسابرسی کمتر استفاده کنند.

در مطالعه دیگری که توسط (پوران و آرامی، ۱۳۹۵) صورت گرفت بین توانایی مدیران و دوره تصدی حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد به این ترتیب که تغییرات توانایی مدیران به تغییرات دوره تصدی حسابرسی تأثیرگذار است. چراکه مدیری که از توانایی بیشتری برخوردار است این موضوع را می‌داند که حسابرس مستقلی که برای چندین سال متوالی حسابرس شرکت باقی بماند موجب به وجود آمدن ارتباط قوی‌تر بین مدیریت و حسابرس شده و در نتیجه موجب کاهش استقلال حسابرس و نفوذ مدیریت به حسابرس می‌شود. در نتیجه توانایی مدیران به تداوم انتخاب به حسابرس تأثیرگذار است و مدیر توانا سعی در افزایش مدت‌زمان با حسابرس با ابزارهایی مانند ارائه اطلاعات موردنظر حسابرس، عدم ایجاد درگیری با حسابرس، افشای اطلاعات موردنظر حسابرس و غیره و سعی در ایجاد هیئت‌مدیره برای حفظ حسابرس مستقل در سال‌های آینده و افزایش دوره تصدی حسابرسی دارد.

در مطالعه‌ای که توسط (پوران و آرامی، ۱۳۹۵) صورت گرفت، کیفیت حسابرسی می‌تواند این موضوع را به وجود آورد که در صورت انتخاب

<sup>11</sup> Sheng-Syan & Chin-Yen

<sup>12</sup> Duellman & Hurwitz & Sun

<sup>13</sup> Demerjian & Lev & Lewis & MacVay

۲-۵- مدل رگرسیونی فرضیه فرعی اول

وجود بند عدم تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.

$$(۲) \ln AFee_{i,t} = \alpha + \beta_1 MA - Score_{i,t} + \beta_2 Going\ concern_{i,t} + \beta_3 MA - Score_{i,t} * Going\ concern_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LAG_{i,t} + \beta_8 BIG_{i,t} + \beta_9 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۳-۵- مدل رگرسیونی فرضیه فرعی دوم

وقوع زیان عملیاتی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.

$$(۳) \ln AFee_{i,t} = \alpha + \beta_1 MA - Score_{i,t} + \beta_2 LOSS_{i,t} + \beta_3 MA - Score_{i,t} * LOSS_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LAG_{i,t} + \beta_8 BIG_{i,t} + \beta_9 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۴-۵- مدل رگرسیونی فرضیه فرعی سوم

وقوع بحران مالی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.

$$(۴) \ln AFee_{i,t} = \alpha + \beta_1 MA - Score_{i,t} + \beta_2 CRISIS_{i,t} + \beta_3 MA - Score_{i,t} * CRISIS_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LAG_{i,t} + \beta_8 BIG_{i,t} + \beta_9 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۵-۵- مدل رگرسیونی فرضیه فرعی چهارم

دوره تصدی حسابرسی ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تشدید می‌کند.

$$(۵) \ln AFee_{i,t} = \alpha + \beta_1 MA - Score_{i,t} + \beta_2 TENURE_{i,t} + \beta_3 MA - Score_{i,t} * TENURE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LAG_{i,t} + \beta_8 BIG_{i,t} + \beta_9 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۶-۵- مدل رگرسیونی فرضیه فرعی پنجم

ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان در دوره بعد از صدور آئین‌نامه شرکتی نسبت به سال قبل آن تشدید شده است.

$$(۶) \ln AFee_{i,t} = \alpha + \beta_1 MA - Score_{i,t} + \beta_2 CG_{i,t} + \beta_3 MA - Score_{i,t} * CG_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LAG_{i,t} + \beta_8 BIG_{i,t} + \beta_9 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۶- متغیرهای تحقیق

۶-۱- حق الزحمه حسابرسی (متغیر وابسته)

بر اساس لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرس، اندازه‌گیری می‌شود. علت استفاده از لگاریتم طبیعی در محاسبه حق الزحمه حسابرس، همگن کردن حق الزحمه شرکت‌های بزرگ و کوچک می‌باشد لذا با بررسی یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، حق الزحمه حسابرسان به دست می‌آید که این روش در همه پژوهش‌های قبلی استفاده شده است. [۹].

استدلال استقرایی در تعمیم نتایج استفاده شده است. جامعه آماری کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که تعداد 81 شرکت به‌عنوان نمونه سیستماتیک پژوهش انتخاب شدند این تحقیق طی یک دوره زمانی هشت‌ساله از سال ۱۳۸۸ تا انتهای سال ۱۳۹۵ مورد بررسی است. روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، به روش انتخاب تصادفی دنباله ای از واحدهای جامعه که به یک اندازه ثابت از هم فاصله دارند، دلالت دارد. در مدل سازی مالی اقتصادی قالباً به برآورد رگرسیونی توابع و تخمین پارامترهای مربوط به آن‌ها نیاز است که برای انجام این منظور استفاده از نرم افزارهای مختلف کمک شایانی به استفاده موثر و مطلوب از داده‌های آماری مینماید. یکی از بهترین و پرکاربردترین نرم افزارهای مورد استفاده برای برآورد رگرسیونی توابع مختلف آماری برای اطمینان از صحت نتایج بدست آمده، نرم افزار Eviews است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم‌افزار Eviews به کار گرفته شده است و درنهایت به کمک آزمون‌های آماری احتمال محاسبه شده به قضاوت و ارزیابی در مورد هر یک از فرضیه‌های آماری پژوهش پرداخته شد.

۴- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

۱. بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. وجود بند عدم تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.
۲. وقوع زیان عملیاتی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.
۳. وقوع بحران مالی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.
۴. دوره تصدی حسابرسی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان را تشدید می‌کند.
۵. ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان در دوره بعد از صدور آئین‌نامه شرکتی نسبت به سال قبل آن تشدید شده است.

۵- مدل تحقیق برای آزمون فرضیات تحقیق

۵-۱- مدل رگرسیونی فرضیه اصلی

بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

(۱)

$$(۱) \ln AFee_{i,t} = \alpha + \beta_1 MA - Score_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LAG_{i,t} + \beta_6 BIG_{i,t} + \beta_7 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۲-۶- راهبری شرکتی (متغیر تعدیل گر)

برای سال‌های قبل از ۱۳۹۰ عدد صفر و بعد از آن عدد یک.  
\*سال ۱۳۹۰ سال اجرای فراگیر آئین‌نامه حاکمیت شرکتی بود.

۳-۶- بحران مالی (متغیر تعدیل گر)

اگر نسبت سود و زیان انباشته به سرمایه سهام کمتر از ۰.۵۰٪ باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر.

۴-۶- زیان (متغیر تعدیل گر)

اگر شرکت در دوره قبل زیان داشته باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر.

۵-۶- تداوم فعالیت (متغیر تعدیل گر)

در صورتی که در گزارش حسابرسی بند تداوم فعالیت آورده شود برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر.

۶-۶- دوره تصدی حسابرسی (متغیر تعدیل گر)

برای تعیین دوره تصدی حسابرس در هر سال، مدت تصدی تجمعی آن سال را بر ۴ تقسیم می‌کنیم. به منظور اندازه‌گیری صحیح دوره تصدی، باید سالی در دسترس باشد که در آن رابطه حسابرس - صاحب‌کار برقرار شده است. [۹]

۷-۶- توانمندی مدیران (متغیر مستقل)

متغیر مستقل در این تحقیق توانایی مدیریتی می‌باشد که برای اندازه‌گیری آن از مدل دومرحله‌ای دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است در این الگو با استفاده از کارایی شرکت به‌عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت توانایی مدیریت محاسبه می‌شود. به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کرده‌اند؛ الگوی تحلیل پوششی داده‌ها، یک نوع الگوی آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد یک سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی کاربرد دارد. در الگوی مورد استفاده در این پژوهش نیز دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) درآمد حاصل از فروش را به‌عنوان خروجی و متغیرهای دیگر، یعنی بهای کالای فروش رفته، هزینه‌های عمومی اداری و فروش، ماشین‌آلات و تجهیزات، سرفعلی و دارایی‌های نامشهود را به-عنوان ورودی در نظر گرفته‌اند که به مقدار زیادی حق انتخاب مدیریت در دستیابی به درآمد موردنظر را پوشش می‌دهند. (۷)

Firmeffecincey: کارایی شرکت

sales: فروش

cogs: بهای تمام‌شده کالای فروش رفته

saexp: هزینه‌های عمومی اداری فروش

ppe: اموال ماشین‌آلات و تجهیزات

intang: دارایی نامشهود.

هدف از محاسبه کارایی شرکت اندازه‌گیری توانایی مدیریت و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی (مدل شماره ۱) ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارد، نمی‌توان توانایی مدیریت را به‌درستی اندازه‌گیری کرد؛ زیرا متأثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود. مثلاً مدیران توانا تر بدون توجه به اندازه شرکتی که در آن فعالیت می‌کنند، درک بهتری از چشم‌انداز آینده شرکت و صنعت دارند؛ درحالی‌که مدیران شرکت‌های بزرگ‌تر به‌صورت بالقوه از قدرت چانه‌زنی بالاتری در رابطه با عرضه‌کنندگان برخوردارند.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به‌منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در الگویی که ارائه داده‌اند، کارایی شرکت را به دو بخش جدا؛ یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آن‌ها این کار را با استفاده از کنترل ویژگی خاص شرکت (اندازه شرکت، ارزش بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس) انجام داده‌اند. هرکدام از این متغیرها که ویژگی‌های ذاتی شرکت هستند، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نماید یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. این ویژگی‌ها در الگوی زیر که توسط دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) ارائه شده، کنترل شده‌اند:

(۸)

$$firmeffecincey = \beta_0 + \beta_1 SIZE + \beta_2 MV + \beta_3 AGE + \beta_4 CASH AVAILIBLTY + \varepsilon$$

که در این مدل:

Firmeffecincey: کارایی شرکت؛

Size: اندازه شرکت؛ از لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.

mv: ارزش بازار شرکت؛ که از نسبت فروش پایان سال  $(t)$  شرکت بر جمع

کل فروش صنعت در پایان سال  $(t)$  به دست می‌آید.

age: عمر پذیرش شرکت در بورس؛ لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس عضو بوده است.

Cash availability: وجه نقد در دسترس

$\varepsilon$ : نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است.

در این مثال، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به‌عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌شود، مقدار توانایی مدیریت برابر با باقیمانده از رگرسیون  $[\varepsilon]$  است. [۱۰].

۸-۶- اهرم مالی (متغیر کنترلی)

اهرم مالی، درصد تغییر سود هر سهم در ازای یک در صد تغییر در سود قبل

$$firmeffecincey = \frac{sales}{cogs + saexp + ppe + intang}$$

## ۷- یافته‌های پژوهش

در این قسمت مشخصات و ویژگی‌های توصیفی و تحلیلی داده‌های مورد استفاده در مطالعه، شناسایی شده و بیان می‌گردد.

### ۷-۱- ویژگی‌های توصیفی متغیرها

در علم آمار تحلیل‌ها به دو صورت توصیفی و استنباطی صورت می‌پذیرد. محقق در روش‌های توصیفی تلاش می‌کند تا با ارائه جدول و استفاده از ابزارهای آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده‌های تحقیق پرداخته تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند و در تحلیل استنباطی فرضیه خود را مورد آزمون قرار می‌دهد.

در این بخش که مربوط به آمار توصیفی پژوهش است اطلاعات مربوط به خصوصیات آماری نمونه انتخاب شده به صورت خلاصه ارائه می‌گردد. شاخص‌های مورد استفاده برای توصیف داده‌ها به صورت زیر می‌باشند:

- ۱) شاخص‌های مرکزی: میانگین<sup>۱۴</sup>، میانه<sup>۱۵</sup> و مد<sup>۱۶</sup>.
- ۲) شاخص‌های پراکندگی: دامنه تغییرات<sup>۱۷</sup>، واریانس<sup>۱۸</sup> و انحراف معیار<sup>۱۹</sup>.
- ۳) شاخص‌های شکل توزیع: ضریب‌های چولگی و کشیدگی.

در جدول ۱ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر مشاهده‌ها به عنوان شاخص‌های مرکزی و انحراف معیار به عنوان شاخص پراکندگی و ضریب کشیدگی، ضریب چولگی به عنوان شاخص‌های توزیعی ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه‌ی تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است.

میانگین حق الزحمه حسابرسی برابر با ۵,۷۲ است یعنی متوسط حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۵ برابر ۵,۷۲ می‌باشد. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. این مقدار برای حق الزحمه حسابرسی ۱,۲ می‌باشد؛ یعنی انحراف حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های مورد مطالعه از متوسط آن‌ها برابر با ۱,۲ می‌باشد. همچنین دارای مقدار چولگی ۰,۸۰- به سمت چپ و مقدار کشیدگی ۴,۳۱ به سمت بالا می‌باشد.

میانگین توانمندی مدیران ۰,۰۱۲ است؛ یعنی متوسط توانمندی مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۵ برابر با ۰,۰۱۲ می‌باشد. همچنین مقدار کمینه منفی (۰,۳۲-) نشان‌دهنده این است که این شاخص در برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس منفی می‌باشد. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین

از بهره و مالیات را نشان می‌دهد استفاده از اهرم مالی بدان جهت می‌باشد که این اهرم به آثار سود هر سهم مربوط و ناشی از تصمیماتی است که برای تأمین مالی صورت گرفته است. برای مقادیری از سود قبل از بهره و مالیات که در بالای نقطه سر به سر مالی قرار می‌گیرند، اهرم مالی بیش از یک شده و با افزایش میزان سود قبل از بهره و مالیات، این درجه کاهش یافته و به سمت یک میل می‌نماید. [۲].

(۹)

$$\text{اهرم مالی} = \frac{\text{کل بدهی‌ها}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

### ۹-۶- بازده دارایی‌های شرکت (متغیر کنترلی)

بازده دارایی‌های نشان‌دهنده توانایی مدیریت در استفاده کارا از دارایی می‌باشد و بیشتر بر روی بازدهی بخش عملیات متمرکز است. اگر دارایی‌های اضافی در عملیات به کار گرفته شوند این است که هزینه‌های عملیاتی افزایش یافته‌اند. نسبت بازده دارایی‌ها حاصل از تقسیم سود خالص به کل دارایی‌ها است که از فرمول زیر محاسبه می‌شود... [۲].

(10)

$$\text{بازده دارایی‌ها} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

### ۹-۱۰- اندازه شرکت (متغیر کنترلی)

اندازه شرکت از مواردی است که در تحقیقات قبلی بارها آزمون شده و نشان‌دهنده ریسک کلی شرکت است معمولاً شرکت‌های بزرگ‌تر، کم ریسک‌تر می‌باشند. اندازه شرکت با متغیر لگاریتم شاخص‌هایی از قبیل ارزش دارایی‌ها، ارزش بازار سهام و میزان فروش تعریف می‌شود. در این تحقیق لگاریتم کل دارایی‌های شرکت به عنوان اندازه شرکت در نظر گرفته شده است. [۱۰].

(11)

$$\log(\text{Assets}_i)$$

### ۹-۱۱- وقفه گزارش (متغیر کنترلی)

تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ امضاء گزارش حسابرس.

### ۹-۱۲- دارایی ثابت مشهود (متغیر کنترلی)

(12)

$$\text{Fixed assets}_{t-1}$$

$$\text{TANG} = \frac{\text{Fixed assets}_{t-1}}{\text{TA}}$$

Fixed assets: دارایی ثابت

TA: مجموع کل دارایی‌ها

### ۹-۱۳- اندازه مؤسسه حسابرسی (متغیر کنترلی)

در این تحقیق یک متغیر شاخص که برابر با یک تعیین شده اگر شرکت نمونه توسط سازمان حسابرسی یا مفید راهبر حسابرسی شده باشد و در غیر این صورت برابر با صفر.

<sup>14</sup> Mean

<sup>15</sup> Median

<sup>16</sup> Mode

<sup>17</sup> Range

<sup>18</sup> Variance

<sup>19</sup> Standard Deviation

این آزمون برابر با ۰,۱ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند حدود 10 درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق‌الزحمه حسابرسی) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای ۱ درصد، می‌توان گفت که مدل تحقیق از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

**فرضیه فرعی سوم: وقوع بحران مالی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.**

برای تأیید فرضیه باید ضریب اثر متقابل توانمندی مدیران\*بحران مالی بتا (۳) در مدل معنادار و منفی باشد.

با توجه به جدول ۲ آماره دوربین - واتسون برابر با ۰,۷۸ می‌باشد و این نشان می‌دهد بین خطاها همبستگی وجود دارد چراکه بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار ندارد. برای رفع این مشکل، تصحیح بازگشت ARI اضافه می‌کنیم. ضریب تعیین تعدیل‌شده این آزمون برابر با ۰,۰۳ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند حدود ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق‌الزحمه حسابرسی) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای ۱ درصد، می‌توان گفت که مدل تحقیق از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

**فرضیه فرعی چهارم: دوره تصدی حسابرسی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسان را تشدید می‌کند.**

برای تأیید فرضیه باید ضریب اثر متقابل توانمندی مدیران\*دوره تصدی حسابرسی بتا (۳) در مدل معنادار و مثبت باشد. با توجه به جدول ۲ آماره دوربین - واتسون برابر با 0.79 می‌باشد و این نشان می‌دهد بین خطاها همبستگی وجود دارد چراکه بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار ندارد. برای رفع این مشکل، تصحیح بازگشت ARI اضافه می‌کنیم. ضریب تعیین تعدیل‌شده این آزمون برابر با ۰,۰۳۶ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند حدود ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق‌الزحمه حسابرسی) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای ۱ درصد، می‌توان گفت که مدل تحقیق از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

**فرضیه فرعی پنجم: حاکمیت شرکتی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسان را تشدید می‌کند.**

برای تأیید فرضیه باید ضریب اثر متقابل توانمندی مدیران\*حاکمیت شرکتی بتا (۳) در مدل معنادار و مثبت باشد. با توجه به جدول ۲ آماره دوربین - واتسون برابر با 0.78 می‌باشد و این نشان می‌دهد بین خطاها همبستگی وجود دارد چراکه بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار ندارد. برای رفع این مشکل، تصحیح بازگشت ARI اضافه می‌کنیم. ضریب تعیین تعدیل‌شده این آزمون برابر با ۰,۰۳۲ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند حدود ۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق‌الزحمه حسابرسی) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای ۱ درصد، می‌توان گفت که مدل تحقیق از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است که این شاخص برای توانمندی مدیران ۰,۱۶۹ می‌باشد. همچنین دارای مقدار چولگی ۱,۷۷ به سمت راست و مقدار کشیدگی ۸,۲۲ به سمت بالا می‌باشد.

#### ۲-۷- آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این بخش فرضیات پژوهش را با استفاده از تخمین مدل با روش حداقل مربعات معمولی بررسی می‌نماییم.

ضرایب متغیرهای در مدل تجربی پژوهش از تخمین مدل به روش حداقل مربعات معمولی استفاده خواهیم کرد. نتایج تخمین مدل تجربی به روش حداقل مربعات معمولی در جدول ۲ به شرح زیر ارائه شده است:

**فرضیه اصلی: بین توانمندی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسان ارتباط منفی معناداری وجود دارد.**

برای تأیید فرضیه باید ضریب توانمندی مدیران بتا (۱) در مدل معنادار و منفی باشد. با توجه به جدول ۲ آماره دوربین - واتسون برابر با ۰,۷۸ می‌باشد و این نشان می‌دهد بین خطاها همبستگی وجود دارد چراکه بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار ندارد. برای رفع این مشکل، تصحیح بازگشت ARI اضافه می‌کنیم. ضریب تعیین تعدیل‌شده این آزمون برابر با ۰,۰۳ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند حدود 3 درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق‌الزحمه حسابرسی) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای ۱ درصد، می‌توان گفت که مدل تحقیق از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

**فرضیه فرعی اول: وجود بند عدم تداوم فعالیت در گزارش، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.**

برای تأیید فرضیه باید ضریب اثر متقابل توانمندی مدیران\*تداوم فعالیت بتا (3) در مدل معنادار و منفی باشد. با توجه به جدول ۲ آماره دوربین - واتسون برابر با 0.811 می‌باشد و این نشان می‌دهد بین خطاها همبستگی وجود دارد چراکه بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار ندارد. برای رفع این مشکل، تصحیح بازگشت ARI اضافه می‌کنیم. ضریب تعیین تعدیل‌شده این آزمون برابر با ۰,۰۴ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند حدود ۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق‌الزحمه حسابرسی) را پیش‌بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای ۱ درصد، می‌توان گفت که مدل تحقیق از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

**فرضیه فرعی دوم: وقوع زبان عملیاتی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق‌الزحمه حسابرسان را تضعیف می‌کند.**

برای تأیید فرضیه باید ضریب اثر متقابل توانمندی مدیران\*زبان عملیاتی بتا (۳) در مدل معنادار و منفی باشد. با توجه به جدول ۲ آماره دوربین - واتسون برابر با ۰,۹۲ می‌باشد و این نشان می‌دهد بین خطاها همبستگی وجود دارد چراکه بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار ندارد. برای رفع این مشکل، تصحیح بازگشت ARI اضافه می‌کنیم. ضریب تعیین تعدیل‌شده

جدول (۱): جدول آمار توصیفی متغیرها

مشاهدات	ضریب کشیدگی	ضریب چولگی	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	شرح
۶۴۸	۲,۵۹۳۵۷۵	۰,۲۹۵۹۰۶	۱,۵۳۴۴۵۸	۰,۰۰۰۰۰۰	۸,۰۰۰۰۰۰	۳,۰۰۰۰۰۰	۳,۲۳۷۶۵۴	Tunure
۵۸۴	۴,۰۰۵۲۰۴	۱,۰۸۰۰۳۷	۰,۲۱۱۶۵۵	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۲۵۴۴۱۸	۰,۲۹۲۰۸۸	Tang
۶۴۸	۳,۶۹۴۰۲۸	۰,۷۵۵۱۲۵	۰,۶۵۳۱۶۸	۴,۵۶۲۰۵۵	۸,۳۶۵۴۹۷	۶,۰۱۱۹۹۴	۶,۱۱۰۸۶۵	size
۵۹۹	۴,۱۴۹۱۱۱	۰,۷۶۴۴۹۶	۰,۱۳۵۹۷۸	۰,۲۹۳۷۰۶	۰,۶۲۶۷۸۴	۰,۱۱۲۴۹۱	۰,۱۴۰۶۳۵	Roa
۶۴۸	۸,۲۲۶۹۵۹	۱,۷۷۸۵۷۲	۰,۱۶۹۲۹۲	۰,۳۲۷۷۷۹	۰,۸۹۲۲۰۶	۰,۰۲۷۶۴۷	۰,۰۱۲۳۳۹	MA-score
۶۴۸	۱,۲۵۹۶۹۸	۰,۵۰۹۶۰۶	۰,۴۸۴۸۹۳	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۳۷۶۵۴۳	Loss
۶۴۸	۴,۳۱۱۱۴۸	۰,۸۰۴۹۱۶	۱,۲۰۳۱۱۸	۲,۰۰۴۷۵۸	۹,۸۰۰۰۰۰	۵,۹۸۶۷۸۹	۵,۷۲۰۶۷۴	LNAFEE
۵۹۹	۲,۵۵۴۲۰۷	۰,۳۱۴۷۴۶	۰,۱۷۳۱۰۰	۰,۰۸۹۱۱۰	۰,۹۳۹۳۶۹	۰,۵۸۳۴۹۸	۰,۵۶۹۰۳۳	Lev
۶۴۸	۲,۵۱۷۸۶۱	۰,۶۹۱۴۰۶	۳۴,۴۵۲۳۵	۲,۰۵۸۲۹۴	۱۵۹,۱۷۷۸	۴۲,۳۳۹۱۷	۵۳,۷۷۷۶۸	Lag
۶۴۸	۱,۲۰۷۷۹۲	۰,۴۵۵۸۴۲	۰,۴۸۷۸۷۵	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۳۸۸۸۸۹	GOING_CONCERN
۶۴۸	۲,۳۳۳۳۳۳	۱,۱۵۴۷۰۱	۰,۴۳۳۳۴۷	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۷۵۰۰۰۰	cg
۶۴۸	۱,۰۰۱۸۶۸	۰,۰۴۳۲۲۰	۰,۵۰۰۲۶۹	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۴۸۹۱۹۸	Crisis
۶۲۳	۱,۰۴۱۳۲۷	۰,۲۰۳۲۸۹	۰,۴۹۷۸۳۷	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۵۵۰۵۶۲	big

جدول (۲): نتایج تحلیل آماری برای الگوی رگرسیونی آزمون فرضیه‌ها

نام متغیر	اصلی	فرعی ۱	فرعی ۲	فرعی ۳	فرعی ۴	فرعی ۵
توانمندی مدیران	-۰,۳۲۶ (۰,۰۰۰)	-۰,۴۹۵ (۰,۰۰۰)	-۰,۱۴۰ (۰,۲۵۸)	-۰,۱۳۶ (۰,۳۵۰)	-۰,۶۰۴ (۰,۰۰۸)	۰,۱۷۲ (۰,۳۵۱)
تداوم فعالیت		-۰,۲۸۱ (۰,۰۰۰)				
توانمندی مدیران-تداوم فعالیت		۰,۳۸۸ (۰,۰۴۳)				
زیان عملیاتی			-۰,۶۸۴ (۰,۰۰۰)			
توانمندی مدیران-زیان عملیاتی			-۱,۳۲۴ (۰,۰۰۰)			
بحران مالی				۰,۱۳۴ (۰,۰۰۰)		
توانمندی مدیران-بحران مالی				-۰,۳۷۲ (۰,۰۵۵)		
دوره تصدی حسابرسی					۰,۰۵۵ (۰,۰۰۰)	
توانمندی مدیران-دوره تصدی حسابرسی					۰,۰۹۶ (۰,۱۲۸)	
حاکمیت شرکتی						-۰,۱۰۶

(۰,۰۰۱)						
-۰,۷۰۰						توانمندی مدیران-حاکمیت شرکتی
(۰,۰۰۱)						
-۰,۴۸۹	-۰,۵۲۶	-۰,۵۳۷	-۰,۵۹۰	-۰,۵۲۱	-۰,۴۹۲	اهرم مالی
(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	
۰,۸۲۹	۰,۸۷۷	۰,۸۵۳	۰,۶۲۵	۰,۷۵۸	۰,۸۷۴	بازده دارایی‌ها
(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	
۰,۰۶۰	۰,۰۲۹	۰,۰۴۸	۰,۰۵۸	۰,۰۵۸	۰,۰۴۸	اندازه شرکت
(۰,۰۰۶)	(۰,۱۷۲)	(۰,۰۲۶)	(۰,۰۰۵)	(۰,۰۰۶)	(۰,۰۲۶)	
۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	۰,۰۰۲	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	وقفه گزارش
(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	
-۰,۱۱۵	-۰,۱۰۶	-۰,۱۰۹	۰,۰۵۸	-۰,۰۷۲	-۰,۰۹۸	اندازه موسسه حسابرسی
(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۳۶)	(۰,۰۱۱)	(۰,۰۰۰)	
۰,۲۰۰	۰,۲۳۲	۰,۱۹۵	۰,۳۱۸	۰,۲۲۰	۰,۲۱۲	دارایی ثابت مشهود
(۰,۰۰۸)	(۰,۰۰۲)	(۰,۰۰۹)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۳)	(۰,۰۰۵)	
۰,۷۸	۰,۷۹	۰,۷۸	۰,۹۲	۰,۸۱۱	۰,۷۸	دوربین -واتسون
۰,۰۳۴	۰,۰۳۷	۰,۰۳۴	۰,۱۰۳	۰,۰۴۳	۰,۰۳	ضریب تعیین
۰,۰۳۲	۰,۰۳۶	۰,۰۳	۰,۱۰	۰,۰۴۱	۰,۰۳۱	ضریب تعیین تعدیل شده
۱۲,۸۳	۳۱,۹۶	۳۰,۶۴	۴۰,۷۴	۳۸,۴۰	۳۵,۵۸	آماره F
(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	(۰,۰۰۰)	سطح معناداری

## ۸- بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بود که در این راستا ۶ فرضیه تدوین شد.

در آزمون فرضیه اصلی به این نتیجه رسیدیم که سطح معناداری متغیر توانمندی مدیران برابر با ۰,۰۰۰۸ کمتر از خطای پنج درصد می باشد، لذا می توان گفت که نشان دهنده این موضوع است که ضریب برآوردی برای توانمندی مدیران در مدل رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر می توان گفت که بین توانمندی مدیران مالی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار وجود دارد. از طرفی چون علامت این ضریب (-۰,۳۲۶) منفی می باشد لذا این ارتباط منفی می باشد. در نتیجه فرضیه اصلی تحقیق تأیید می شود. این نتیجه با تحقیقات دولمن و همکارانش (۲۰۱۵) و تحقیقات پوران و آرامی (۱۳۹۵) همسو و هم راستا می باشد.

در آزمون فرضیه فرعی اول به این نتیجه رسیدیم که سطح معناداری به اثر متقابل توانمندی مدیران\* بند تداوم فعالیت برابر با ۰,۰۴۳ کمتر از خطای پنج درصد می باشد، لذا می توان گفت که نشان دهنده این موضوع است که ضریب برآوردی برای اثر متقابل توانمندی مدیران\* بند تداوم فعالیت در مدل رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر می توان گفت که بند تداوم فعالیت در ارتباط با توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی

در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل کننده ای دارد. از طرفی چون علامت این ضریب (۰,۳۸۸) مثبت می باشد؛ لذا می توان گفت که بند تداوم فعالیت، ارتباط منفی توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی را تشدید می کند و بند عدم تداوم فعالیت این ارتباط را تضعیف می نماید. در نتیجه فرضیه فرعی اول تحقیق تأیید می شود. نتایج این فرضیه هم راستا با تحقیقات واعظ و همکاران (۱۳۹۵) می باشد.

در آزمون فرضیه فرعی دوم به این نتیجه رسیدیم که سطح معناداری به اثر متقابل توانمندی مدیران\* زبان عملیاتی برابر با ۰,۰۰۰ کمتر از خطای پنج درصد می باشد، لذا می توان گفت که نشان دهنده این موضوع است که ضریب برآوردی برای اثر متقابل توانمندی مدیران\* زبان عملیاتی در مدل رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر می توان گفت که وقوع زبان عملیاتی در ارتباط با توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل کننده ای دارد؛ اما به دو دلیل نمی توان گفت که وقوع زبان عملیاتی؛ ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی را تضعیف (تشدید) می کند: یکی اینکه ضریب توانمندی مدیران در مدل فوق معنادار نیست یعنی ارتباط معناداری بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسان در این مدل یافت نشد و همچنین ضریب برآوردی دال بر مثبت بودن ارتباط می باشد. لذا فرضیه فرعی دوم تأیید

طبق برآورد ما توانایی مدیران می‌تواند به کاهش حق الزحمه غیرعادی حسابرسی مؤثر باشد؛ زیرا هر چه مدیر کارایی بیشتری داشته باشد برای جلوگیری از ابطال این کارایی و افزایش مزایای خود نیز سعی در کاهش تناقضات با حسابرسی شده و بیشتر مایل است حق الزحمه غیرعادی حسابرسی را کاهش دهد از سوی دیگر حق الزحمه حسابرسی با کیفیت حسابرسی دارای رابطه می‌باشد محققین بسیاری این ارتباط را اثبات کردند. نتیجه فرضیه اول پژوهش نشان‌دهنده این موضوع هست که بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی ارتباط منفی معناداری وجود دارد به این معنی که مدیران توانا سبب کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌شوند.

طبق شواهد این پژوهش، پس از بررسی ویژگی‌های خاص مربوط به شرکت‌ها، توانایی مدیریت شرکت با حق الزحمه حسابرسی پایین‌تر ارتباط دارد که به کاهش احتمال انتشار گزارش حسابرسی مستقل حاوی بند تداوم فعالیت منجر می‌شود.

بنابراین، در رابطه با حق الزحمه حسابرسی نتایج نشان می‌دهد ضریب توانایی مدیریتی عددی منفی و معنادار بوده است. بدان معنا که حق الزحمه حسابرسی با کاهش توانایی مدیریت افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، توانایی مدیریتی صاحب‌کار، رابطه - معکوسی با حق الزحمه حسابرسی، پس از کنترل شماری از عوامل مختلف دارد.

تعداد زیاد شرکت‌های فاقد اطلاعات بر اساس نمونه‌گیری انجام‌شده، اصلی‌ترین محدودیت پژوهش حاضر بود که ممکن بود با در دست بودن اطلاعات مالی آن‌ها و دخالت اثرات آن در تجزیه و تحلیل آماری، نتایج حاصله با نتایج فعلی متفاوت می‌بود. فقدان بودجه لازم برای انجام و پیشبرد کار یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات جاری تأثیر توانایی مدیریت بر سایر شاخص‌های کیفیت محیط اطلاعاتی شامل خصوصیات کیفی سود مطالعه شود. همچنین، مطالعه ارتباط بین توانایی مدیریت دیگر انواع اظهارنظر حسابرسی، می‌تواند به ارزیابی اعتبار یافته‌های تحقیق حاضر کمک کند. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود به بررسی ماهیت ساختاری رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی بپردازند؛ زیرا رابطه بین این دو متغیر ممکن است از عوامل تعدیل‌کننده ساختاری، نظیر ریسک دعاوی حقوقی علیه حسابرس، آشنایی حسابرس با واحد مورد رسیدگی و یا تغییرات در محیط تأثیر گیرد.

علاوه بر این موارد، خطای اندازه‌گیری و سایر عوامل بالقوه تأثیرگذار بر قابلیت اتکای نتایج مربوط به تأثیر توانایی مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی و احتمال انتشار گزارش حاوی بند تداوم فعالیت می‌تواند در مطالعات بعدی در این حوزه بررسی شود. به این ترتیب، مطالعات بعدی بهتر است از روش‌های پژوهش تجربی با استفاده از نمونه کنترلی برای تحلیل بهتر و تأیید یافته‌های مطالعه حاضر استفاده کنند.

#### منابع و مأخذ:

[۱] اکبری مقدم، بیت الله، پیری، عبدالله. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر ساختار سرمایه شرکت‌ها، مجله مدیریت توسعه و

نمی‌شود؛ و نمی‌توان گفت وقوع زیان عملیاتی؛ ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی را تضعیف می‌کند.

در آزمون فرضیه فرعی سوم به این نتیجه رسیدیم که سطح معناداری به اثر متقابل توانمندی مدیران\* بحران مالی برابر با ۰,۰۵۵ بزرگ‌تر از خطای پنج درصد می‌باشد، لذا می‌توان گفت که نشان‌دهنده این موضوع است که ضریب برآوردی برای اثر متقابل توانمندی مدیران\* بحران مالی در مدل رگرسیون معنادار نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت که وقوع بحران مالی در ارتباط با توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. به عبارت دیگر وقوع بحران مالی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های مورد مطالعه را تضعیف نمی‌کند. لذا فرضیه فرعی سوم تأیید نمی‌شود.

در آزمون فرضیه فرعی چهارم به این نتیجه رسیدیم که سطح معناداری به اثر متقابل توانمندی مدیران\* دوره تصدی حسابرسی برابر با ۰,۱۲۸ بزرگ‌تر از خطای پنج درصد می‌باشد، لذا می‌توان گفت که نشان‌دهنده این موضوع است که ضریب برآوردی برای اثر متقابل توانمندی مدیران\* دوره تصدی حسابرسی در مدل رگرسیون معنادار نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت که دوره تصدی حسابرسی در ارتباط با توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌کننده‌ای ندارد. به عبارت دیگر دوره تصدی حسابرسی، ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های مورد مطالعه را تشدید نمی‌کند. لذا فرضیه چهارم فرعی تأیید نمی‌شود.

در آزمون فرضیه فرعی پنجم به این نتیجه رسیدیم که سطح معناداری به اثر متقابل توانمندی مدیران\* حاکمیت شرکتی برابر با ۰,۰۱۲ کمتر از خطای پنج درصد می‌باشد، لذا می‌توان گفت که نشان‌دهنده این موضوع است که ضریب برآوردی برای اثر متقابل توانمندی مدیران\* حاکمیت شرکتی در مدل رگرسیون معنادار است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که حاکمیت شرکتی در ارتباط با توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد؛ اما به دو دلیل نمی‌توان گفت که حاکمیت شرکتی؛ ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی را تشدید می‌کند؛ یکی اینکه ضریب توانمندی مدیران در مدل فوق معنادار نیست یعنی ارتباط معناداری بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی در این مدل یافت نشد و همچنین ضریب برآوردی دال بر مثبت بودن ارتباط می‌باشد. لذا فرضیه فرعی پنجم تأیید نمی‌شود و نمی‌توان گفت حاکمیت شرکتی؛ ارتباط منفی بین توانمندی مدیران و حق الزحمه حسابرسی را تشدید می‌کند.

از عواملی که می‌تواند حیات بالنده و رو به رشد سازمان‌ها را تضمین کند، وجود نظام مدیریتی مقتدر و کارآمد است. توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت شود، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی عملیات که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد.

- Premiums: Theory and Cross-Country Evidence. Contemporary Accounting Research, V (25), No1, Pp. 55-99.
- [15] Journal Article: Demerjian, P. Lev, B. Lewis, M. and MacVay, S. (2013). **Managerial Ability and Earnings Quality**. The Accounting Review, V(88), No2, Pp. 463-498.
- [16] Journal Article: Duellman, S. Hurwitz H. & Sun, Y. (2015). **Managerial Overconfidence and Audit Fees**, V(11), No 2, Pp. 148-165.
- [17] Journal Article: Francis, J. (1984). "The Effect of Audit Firm Size on Audit Prices: A Study of the Australian Market". Journal of Accounting and Economics, V(6), No.2, pp. 133-51.
- [18] Journal Article: Gist, W. (1992). "Explaining variability in External Audit Fees". Accounting & Business Research, V(23), No. 89, pp. 74-79.
- [19] Journal Article: Gonzalez-Diaz, B. Garcia-Fernandez, R & Lopez-Diaz, A. (2015, January). **Auditor Tenure and Audit Quality in Spanish State-Owned Foundations**: Revista De Contabilidad Spanish Accounting Review, V(18), No2, Pp. 115-126.
- [20] Journal Article: Jensen, M & Meckling, W. (1976). "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs, and Ownership Structure". Journal of Financial Economics, V(3), No4, pp. 305-360.
- [21] Journal Article: Lam, K.C. (1998). **Risk Adjusted Audit Pricing: Theory and Empirical Evidence**. Ph.D thesis. University of Toronto. Pp 5.
- [22] Journal Article: Climent-Serrano, S. Bustos-Contell, E. Labatut-Server, G. & Rey-Marti, A. (2017). **Low-Cost Trend in Audit Fees and Their Impact on Service Quality**: Journal of Business Research, V(89), Pp. 345-350.
- [23] Journal Article: Simunic, D. (1984). "Auditing, Consulting, and Auditor Independence". Journal of Accounting Research, V(22), n No2, pp. 679-702.
- [24] Journal Article: Sheng-Syan, C., Chin-Yen, L. (2017). Managerial Ability and Acquire returns, V(68), Pp. 171-182.
- تحول دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ش ۷، ص ۳۷-۳۱.
- [۲] امجدیان، یونس. بشکوه، مهدی. (۱۳۹۵). **رابطه بین چرخش مؤسسات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران**، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.
- [۳] . تانای، محسن. علوی، سید محمد. (۱۳۹۲). **مستقل بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی از منظر حسابرسان و مدیران اجرایی**، نشریه دانش حسابرسی، ش ۵۱، ص ۱۲۷-۱۰۷.
- [۴] حساس یگانه، یحیی. حسنی الفار، مسعود. مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). **پیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی**، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۳، ص ۳۸۴-۳۶۳.
- [۵] حسین پوران، سمانه. آرامی، مجتبی. (۱۳۹۵). **بررسی تأثیر توانایی مدیران و حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی مستقل شرکت‌ها**، پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد علوم پژوهشی نوین، ص ۴۶-۲۳.
- [۶] دلخوش، محمد. فرخی، زهره. (۱۳۹۵). **نقش توانایی مدیریت در پیش‌بینی بحران مالی (شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران)**، ش ۱۲، ص ۱۸۳-۱۷۵.
- [۷] رضایی، شاهده. محمد زاده، امیر. (۱۳۹۷). **بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و بحران مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران**، مجله مدیریت توسعه و تحول دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ش ۳۲، ص ۸۸-۸۱.
- [۸] زکاونند، مرضیه. پایدار، غلامعباس. (۱۳۹۵). **بررسی ارتباط میان حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی**، دومین کنفرانس بین‌المللی پارادایم‌های نوین مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۹] سهیلی، حسین. شکرپیگی، سهراب. (۱۳۹۵). **بررسی اثرات مدت دوره تصدی و اندازه حسابرسی بر ادراک سرمایه‌گذاران از کیفیت حسابرسی و نیز حق الزحمه حسابرسان**، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری باز.
- [۱۰] صدیقی، روح‌الله. محمدی، خدیجه. (۱۳۹۵). **رابطه بین توانایی مدیریت با حق الزحمه حسابرسی و نوع گزارش حسابرسی**. ششمین کنفرانس ملی و چهارمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد کاربردی و پژوهش نوین.
- [۱۱] علوی طبری، سید حسین. رجبی، روح‌الله. شهبازی، منصوره. (۱۳۹۰). **رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها**، مجله دانش حسابداری، ش ۵، ص ۱۰۱-۷۵.
- [۱۲] فرج زاده دهکردی، حسن. حیدری، ناهید. (۱۳۹۶). **بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حسابرسان پیرامون تداوم فعالیت**، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ش ۲۳، ص ۲۳۹-۲۲۱.
- [۱۳] واعظ، سید علی. رمضان احمدی، محمد. رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). **تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها**، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، ش ۱، ص ۱۰۷-۸۷.
- [14] Journal Article: Choi, J.H. Kim J.B. Liu, X. & Simunic, D. A. (2008). **Audit Pricing, Legal Liability Regimes, and Big 4**